

# رویکرد محمد رشید رضا به سنت

نقد و بررسی کتاب

آراء محمد رشید رضا فی قضایا السنه النبویه من خلال مجله المنار، دراسة تحليلية نقدية محمد بن رمضان رضانی، محمد علی مهدوی راد الرياض: مجلة البيان، ۱۴۳۴

جوامع علمی فراتراز جهان اسلام نقش شگرفی را بر جای نهاد. از جمله موضوعاتی که فراوان در صفحات شماره‌های مجله «المنار» مجال نشریافت، پژوهش‌هایی مرتبط با «سنت» و چگونگی نقل و انتقال آن به عصرها و نسل‌ها، برای سنت و جایگاه آن در کنار آموزه‌های قرآنی است. برای اولین بار در این مجله بود که توفیق صدقی با نگاشتن مقاله‌ای با عنوان «الاسلام هو القرآن وحده» زمینه بحث‌های مهمی را به وجود آورد. او به واقع با این مقاله اندیشه‌ای را مطرح کرد که در ادامه راه باورمندانی یافت که با عنوان «القرآنیون» نام بردار شدند. این موضع، کسان بسیاری از عالمان و مفکران جهان اسلام را به واکنش وادار کرد. رشید رضا در تمام این بحث‌ها مشارکت می‌کرد و در زمینه‌های مختلف مرتبط با «سنت» موضع می‌گرفت؛ موضعی که در درازنای زندگی فکری، تعلیمی و تبلیغی او فرازها و فرودهایی داشته است.

کتاب مورد گفتگو، گزارش، تحلیل و برنمودن مواضع مختلف رشید رضا است درباره «سنت» و براساس مقالات او در المنار و مطالب مهمی که در ضمن تحریر درس‌گفتارهای تفسیر استاد و مرادش شیخ محمد عبده و نیز مطالب تفسیری مستقل خودش مطرح کرده است.

مؤلف کتاب را در سه فصل که هر فصل مشتمل بر چندین مبحث است سامان داده‌اند. فصل مقدماتی کتاب، زندگانی اجتماعی، فکری، سیاسی و اصلاحی رشید رضا را گزارش کرده است. مبحث دوم عهده‌دار سخن از مجله «المنار» است و در ضمن آن چرایی و چگونگی شکل‌گرفتن، حد و حدود نشر آن و مهم‌ترین موضوعاتی که مقالات المنار نشان داده است.

چکیده: کتاب آراء محمد رشید رضا فی قضایا السنه النبویه من خلال مجله المنار، گزارش و تحلیل مواضع مختلف رشید رضا پیرامون سنت است. مطالب بر اساس مقالات رشید رضا در مجله المنار و مطالب مهمی است که در ضمن تحریر درس‌گفتارهای تفسیر رشید رضا و مرادش شیخ محمد عبده و نیز مطالب تفسیری مستقل خودش مطرح کرده است. نویسنده در نوشتار حاضر با هدف معرفی کتاب مذکور، پس از ارائه خلاصه‌ای از زندگی نامه رشید رضا، محتوای بخش‌های کتاب را مورد مذاقه قرار می‌دهد.

کلیدواژه: رشید رضا، آراء محمد رشید رضا فی قضایا السنه النبویه من خلال مجله المنار، معرفی کتاب، سنت، مجله المنار.

سید محمد رشید رضا حسینی از متفکران، مصلحان و عالمان بزرگ قرن چهاردهم هجری است که در جریان‌های فکری روزگار خود و پس از خود، از طریق آثار بسیار مهمی که رقم زد، نقش گسترده‌ای بر جای نهاد. رشید رضا ریشه در اشرف حجاز دارد که نیای او ابتدا به عراق آن‌گاه شام رفته‌اند. رشید رضا به انتسابش به اهل بیت می‌باید و در نگاشته‌هایش، مکرر عبارت‌های «جدنا الحسین» (= المنار، ج ۱۵ / ۷۸) و جدنا المرتضی (= المنار، ج ۱۳ / ۱۳۲) را به کار می‌برد. او در سال ۱۲۸۲ ق به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ زندگی را بدرود گفت. رشید رضا با بنیاد نهادن مجله «المنار»<sup>۱</sup> و نشر آن در تمام اقالیم قبله و حتی

۱. مجله المنار اگر نگوئیم اثرگذارترین، قطعاً از جمله معدود نشریات اثرگذار در گستره فرهنگ اسلامی است که شوال ۱۳۵ قمری (۱۸۹۸ م) نشر آن آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۵۹ ادامه می‌یابد. ابتدا المنار هفتگی بوده است، آن‌گاه ده روزه می‌شود و پس از هر ماهی دو شماره و پس از آن ماهنامه و بدین ترتیب تا یکسال پس از مرگ رشید رضا نشر می‌یابد و پس از آن متوقف می‌شود. عناوین اصلی «المنار» را عناوین ذیل شکل می‌داد:

تفسیر قرآن / پژوهش‌ها و بحث‌ها که تمام ابعاد تمدن اسلامی را درمی‌نوردید و غالباً بحث‌هایی نو و چالش‌برانگیز را مطرح می‌کرد. فتاوی، بحث‌های مرتبط با تعلیم و تربیت، اخبار و گزارش‌ها و معرفی و نقد آثار.

آقای دکتر جوده احمد جوده، استاد دانشکده تبلیغ و دانشگاه الأزهر، پژوهشی سامان داده‌اند همه‌سویه و ژرف و پرماده درباره مجله المنار و نقش آن در تفکر اسلامی با عنوان «مجله المنار و اثرها فی قضایا الفكر الاسلامی فی العصر الحدیث» که خواندنی است و دارای آگاهی‌های بسیار

گسترده. نیز بزرگ به: عمر ریاض؛ «رشید رضا: المنار و سال‌های آغازین شکل‌گیری آن»؛ ترجمه محمد حسین رفیعی؛ مجله آینه پژوهش، سال بیست و دوم، شماره ۸۲۹، ص ۷.

می‌پردازد و چونان مقدمه‌ای برای برنمودن دیدگاه‌های رشید رضا درباره سنت و ابعاد آن، از مفهوم سنت در نگاه حدیث پژوهان سخن می‌گوید. آن‌گاه با استناد به نگاه‌های صریح رشید رضا نشان می‌دهد که او بر این باور بوده است که «سنت»، یعنی «افعال رسول الله (ص)» و نه اقوال و تقریرات آن بزرگوار (ص ۷۰ به بعد).

سپس کسان بسیاری از متفکران معاصر را یاد می‌کند که برای این نمط رفته‌اند. اما رشید رضا در سالهای پایانی به گواهی برخی از متفکران (= دکتر مصطفی سباعی به نقل از السنه و مکاتنه‌فی التشریح، ص ۱۲۲) و نیز مقالات نشر یافته در مجلدات مجله المنار، از این دیدگاه برگشته و به تعمیم «سنت» باور پیدا کرده است. مؤلف در ادامه این بحث به نقد مستندات رشید رضا پرداخته است تا نشان دهد «سنت» به لحاظ لغت و نیز نصوص روایی و فهم صحابه و تابعان و عالمان، اعم از «افعال الرسول» بوده است (ص ۸۱ به بعد).

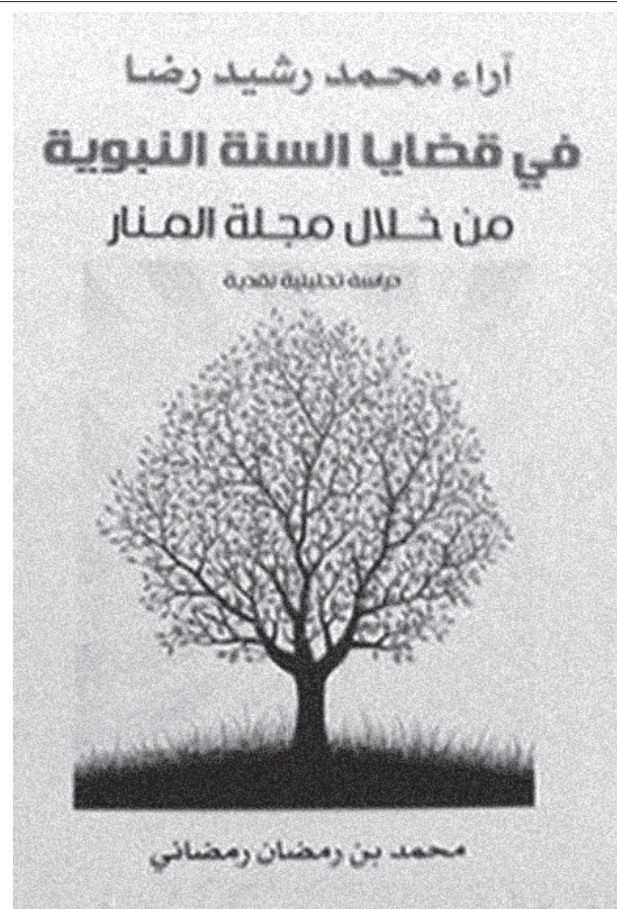
رشید رضا سنت نبوی را به «تشریحی و ارشادی» تقسیم می‌کند. سنت تشریحی مسائل مرتبط با دین، اعمال عبادی - معنوی و ... است و ارشادی هر آن چیزی است که مرتبط با دنیاست، مانند امور معیشت، زراعت، تجارت و ... او بر این باور رفته است که نصوص مرتبط با بخش دوم، جزء دین نیست و در آن موارد «رسول الله» بشر است و چونان فرد عادی زندگی می‌کند. این تقسیم بندی البته پیشینه‌ای کهن‌تر از رشید رضا دارد، اما اینکه دایره آن تا کجاست؟ به شدت معرکه‌آرا است. آنچه مؤلف به درستی بر رشید رضا خرده می‌گیرد، گستردگی دامنه مفهوم «سنت ارشادی» و دیگر مستند آن است که روایتی به لحاظ سند سست بنیان و به لحاظ «فقه الحدیث» مورد گفتگو و اختلاف است. (ص ۱۲۵ - ۱۵۸)

مبحث سوم سخن از «سنت محکیه» و طریق و یا طرق وصول آن به نسل‌ها و عصرها است. روشن است که آنچه حاکی از سنت است، غالباً «خبر واحد» است و ما خیر «متواتر» بسیار اندک داریم. از روزگاران بسیار کهن در حد و حدود و حجیت خبر واحد در میان عالمان، اصولیان و متفکران اسلامی در تمام نحله‌ها سخن بسیار بوده است. جریان نواندیش جهان اهل سنت، غالباً بر «حجیت خبر واحد» خستو نشده‌اند و یا دست‌کم درباره چندی و چونی آن سخن بسیار گفته‌اند. رشید رضا به پیروی از استادش عبده، حجیت خبر واحد را نپذیرفته است و با تأکید بر اینکه مفاد خبر واحد، «ظن» است و «ظن = گمان است و نه علم». البته این مسئله بر پایه آموزه‌های قرآنی و روایی مردود است. مؤلف بر این باور است که رشید رضا اولاً به درستی مفهوم «ظن» را روشن نمی‌کند. دو دیگر اینکه دقیقاً نشان نمی‌دهد که این عدم حجیت در مسائل فقهی است یا در تمام ابعاد دین. سوم اینکه سخنان او در این مورد به شدت مضطرب است و جمع بندی آن دشوار (ص

فصل اول کتاب به توضیح مفهوم «سنت» پرداخته است و آن‌گاه «مفهوم سنت و جهت آن را» از دیدگاه رشید رضا برنموده است. فصل دوم ویژه گزارش استاد رشید رضا است در برابر موضوع بسیار مهم «کتابت و تدوین حدیث و عدالت راویان» و آن‌گاه عدالت صحابه و به گونه‌ای مشخص، دیدگاه رشید رضا درباره ابوهیریه کعب الاحبار و جایگاه «صحیحین». در بخش زندگانی رشید رضا، مؤلف از زادگاه، تبار، هجرت به مصر و پیوند با محمد عبده سخن گفته است و تلاش‌های اصلاحی رشید رضا را در ابعاد دینی، سیاسی، اجتماعی برنموده است. آن‌گاه دیدگاه‌های عالمان است درباره شخصیت رشید رضا و فهرستی از آثار و نگاه‌های وی (ص ۲۱ - ۵۰).

در بخش شناسایی «مجله المنار»، هدف از نشر مجله، ابعاد محتوای آن، بیشترین موضوعات مطرح شده در آن و مهم‌ترین کسانی که مقاله نوشته‌اند گزارش شده است. مؤلف نشان می‌دهد که «المنار» درباره تحولات جامعه اسلامی و دگرگونی‌های آن حساسیت ویژه‌ای داشته است، اما مهم‌ترین محتوای مجله را بحث‌های مرتبط با تفسیر علوم قرآنی، سنت، فقه و فتاوی و دیدگاه‌های اصلاحی شکل داده است. (ص ۵۳ - ۶۹).

پس از بحث‌های مقدماتی یادشده، مؤلف به موضوع اصلی کتاب



روشن شود اینکه می‌گوید: خبر واحد مفید ظن است، یعنی چه؟! به هر حال گزارش مؤلف از «مواضع رشید رضا» دقیق است و مستند است به مجلداتی از «مجله المنار» و «تفسیر المنار» و نشانگر تتبع وسیع او در میراث مکتوب رشید رضا. گوا اینکه در نقد آراء او یکسره به صواب نیست و گاهی سهل‌انگاری و سست‌نگاری در نگاهش آش هویداست.

در فصل دوم مؤلف به موضوع معرکه‌آرای تدوین حدیث پرداخته است و موضع رشید رضا در مقابل آن. او ابتدا به درستی تصریح می‌کند که روایات در منابع کهن در کتابت حدیث گونه‌گون است. احادیثی که نشانگر لزوم کتابت و ثبت و ضبط است و روایاتی که نمایانگر منع کتابت و نشر آن. خطیب بغدادی در تقیید العلم و ابن عبدالبر در کتاب بسیار مهم جامع بیان العلم و فصله این روایات را گزارش کرده‌اند.

آن‌گاه تصریح می‌کند که این نصوص در قرن معاصر زمینه بحث‌هایی را درباره «تدوین حدیث» دامن زد و خاورشناسان بر پایه همین نصوص، به «تشکیک در سنت و گاه در رد و نقد آن» پرداختند. آغازین رگه‌های بحث درباره «حجت سنت» و پیش‌تراز آن درباره «کتابت و تدوین» آن، از صفحات مجله «المنار» رشید رضا آغاز شد. رشید رضا خود نیز موضع «نقد و رد» داشت. او از جمله روشن‌ترین مستندات کتابت، یعنی حدیث عبدالله بن عمر بن عاص را از رسول الله (ص) نقل کرده است: «اكتب فوالذی نفس محمد بیده ما یخرج منه [اشاره الی فمه] الا الحق: بنویس، به خداوند محمد سوگند که از اینجا (اشاره به دهان مطهر) جز حق خارج نمی‌شود.<sup>۶</sup> رشید رضا این حدیث را تضعیف و رد می‌کند.<sup>۷</sup>

مؤلف تمام آنچه را رشید رضا در نقد روایات دلالت‌کننده بر لزوم و وجوب «کتابت» و یا «اباحه» آن نگاهشته است، آورده و در پرتو آگاهی‌های سندی و دلالتی نقد کرده است و نشان داده است که رشید رضا در این موارد یا از آگاهی‌های شایسته‌ای در دانش حدیث برخوردار نیست و یا از آن بهره نمی‌گیرد [۲۲۰ - ۲۵۶].

آن‌گاه نوبت می‌رسد به احادیث منقول از رسول الله (ص) که نمایانگر نهی از کتابت و تدوین حدیث است و گویا خوشایند رشید رضا. به ویژه حدیث «ابوسعید خدری» که به لحاظ وجودش در «صحیح مسلم» گویا استوارترین مستند مخالفان «تدوین» است. رشید رضا از یکسویا انبوهی از احادیث امر به کتابت و روبروست و از سوی دیگر با روایات منع که چندان استواری ندارند جز حدیث ابوسعید. از این رو تلاش می‌کند به گونه‌ای به «جمع دلالتی» دست یازد: ۱. اینکه اذن به کتابت بوده است و به تباه کردن است، یعنی بنویسند و آن‌گاه تباه کنند! ۲. احادیث نهی از کتابت احادیث «اذن» را نسخ کرده است که بسیاری از

چنان‌که پیش‌تر یاد کردم حجیت و عدم حجیت خبر واحد از روزگاران کهن در میان اصولیان و محققان معرکه‌آرا بوده است. مخالفان حجیت خبر واحد بر این نکته تأکید کرده‌اند که مفاد خبر واحد، «افاده ظن» است و «ظن» بر اساس صریح کلام الله (= لایغنی من الحق شیئا)، اما در برابر چنین باوری، فقیهان از اهل سنت از دیرباز بر این موضوع تأکید کرده‌اند که «مفاد خبر واحد، ثقة عدل» و «علم‌آور» است، پس پیروی از آن، پیروی از گمان نیست تا مصداق نهی کلام الله باشد. از جمله محمد بن ادریس شافعی در اثر بسیار مهم و اثرگذار خود الرسالة این حجرنوشته است که: شافعی در کتابهای خود تصریح کرده است که خبر واحد افاده علم می‌کند. (ص ۱۹۷)

آمدی<sup>۱</sup> و شوکانی<sup>۲</sup> به صراحت به احمد بن حنبل نسبت داده‌اند که او بر «افاده علم خبر واحد» باور داشته است.

از ابوعمریوسف بن عبدالبر نقل کرده‌اند که: فی الجملة مفاد خبر وارد را در عقائد حجیت می‌دانسته است و این باور را از جمله به اجماع اهل سنت مستند می‌ساخته است.<sup>۴</sup>

و چنین است اعتقاد ابن حزم در مواردی از آثارش از جمله در «الاحکام فی اصول الاحکام»<sup>۵</sup> مؤلف این موارد و مواضع بسیاری دیگر از آرای اصولیان و عالمان اهل سنت را آورده است تا نشان دهد اینکه رشید رضا حجیت خبر واحد را در موضوعات عقاید نپذیرفته و آن را به عالمان امت نسبت داده است استوار نیست (ص ۲۰۵).

اکنون باید اندکی درنگ کرد و به زیرساخت کلام رشید رضا از سرتأمل نگریست تا روشن شود مدعای او چیست؟ به واقع رشید رضا «مفاد خبر واحد را افزون بر گمان (= ظن) نمی‌داند و چون چنین است، مصداق کلام الهی است که [ان الظن لایغنی من الحق شیئا] (یونس/ ۳۶). در نگریستن به تمام آنچه رشید رضا درباره خبر واحد آورده است، به گونه مستقیم و یا در نقد و توضیح مقالاتی که به چاپ آنها همت می‌گماشته است، نشان می‌دهد که او در تمام عمر و یا دست‌کم در سی‌و‌اندی سال که «المنار» را منتشر می‌کرده است، مواضع پراکنده و بعضاً غیرقابل‌جمعی داشته است. ابعاد سخن نیز به درستی روشن نیست. او گاه از «خبر واحد» سخن می‌گوید، بدون هیچ ضمیمه‌ای و گاه از «خبر واحد محضوف به قرائن». گاه از خبر واحد در حوزه مسائل عقیدتی و دیگرگاه از خبر واحد در محدوده فقه، شریعت و... بالاخره خبر واحدی که نشانگر «قول» معصوم است و یا «قول و فعل». دیگر اینکه او در تحلیل و تفسیر و تبیین «ظن» نیز یکسان سخن نمی‌راند تا

۱. الاحکام، ج ۲، ص ۴۲ - ۴۳.

۲. ارشاد الفحول، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. التمهید لما فی المواطن المعانی والاسانید، ج ۱، ص ۸.

۴. ج ۱، ص ۱۰۸.

۵. مسند احمد بن حنبل، ج ۱۱، ص ۵۲۳ و المستدرک، ج ۱، ص ۱۷۵.

۶. المنار، ج ۱۰، ص ۷۶۵ - ۷۶۶.

تنها به استناد او به اعمال «بسر بن أوطاة» تکیه می‌کند که رشید رضا می‌گوید: چگونه منصفی به عدالت این صحابی باور خواهد داشت با آن همه جنایتی که او مرتکب شد و خون‌هایی که ریخت. آن‌گاه می‌کوشد تا اثبات کند که مورخان و عالمانی از یکسوی در «مصاحبت» از «یسر» تردید کرده‌اند و از سوی دیگر در اینکه وی چنین کرده باشد که همه تلاشی است بی‌ثمر و مصداقی است از «آب در هاون کوبیدن».

در مبحث بعدی سخن از «ابوهریره» است که رشید رضا مقالات عالمان بسیاری را در مجله «المنار» در نقد و رد شخصیت ابوهریره، از جمله مقالات توفیق صدقی را چاپ کرد، اما خود به اعم و اغلب آنها نقد و رد نوشت و بدین‌گونه طعن بر ابوهریره را برنماید. رشید رضا دلایل و عللی غالباً ضعیف و توجیهاتی غالباً ناموجه آورده است که کثرت روایات ابوهریره را توجیه کند. مؤلف در این بخش دیدگاه رشید رضا را با ابتهاج نقل می‌کند و با تعلیق و تحشیه بر آنها مهر تأیید می‌زند. (۳۲۵ - ۳۳۸) بحث چهارم از فصل دوم، سخن از «کعب الاحبار» است و وهب و منبه و «موضع صحابیان در برابر اسرائیلیات». رشید رضا به «کعب الاحبار» بدبین است. او نمی‌تواند باور کند که «کعب» از سر صدق ایمان آورده و تلاش‌هایش برای معارف اسلامی است.

شخصیت «کعب الاحبار» از ابعاد مختلف کاویدنی است. هنوز که هنوز است، پژوهشی فرآینادی و در پرتو اسناد بسیار و طرق فراوان و داده‌های تاریخی و ارزیابی اندیشه‌ها و آثار او سامان نیافته است. او در روزگار حاکمیت عمر بن الخطاب اسلام آورده است.<sup>۹</sup> و بسیار مورد توجه خلیفه قرار می‌گیرد و از مشاوران بسیار نزدیک او می‌شود تا آنجا که خلیفه از تمامت آنچه به زندگی، دین، آینده و... مرتبط می‌شد، از وی سؤال می‌کرد. او بود که لقب بسیار فهم، «الفاروق» را به عمر بن الخطاب رقم زد.<sup>۱۰</sup> رشید رضا به شدت به «کعب الاحبار» بدبین است و نمی‌تواند باور کند که کعب الاحبار از سر صدق ایمان آورده است و برای خدا در نشر اندیشه‌های پیشین، خود را در میان مسلمانان می‌پراکنده است. او صریحاً می‌نویسد: «تردید می‌دارم که کعب دروغ می‌گوید بل به ایمان او نیز اعتماد و باور ندارم».<sup>۱۱</sup>

نیز می‌نویسد: «... پیشتر با پژوهش نشان دادیم که کعب از «زندیقان» یهود بود. اسلام را فراز آورد و عبادت پیشه کرد تا آنچه می‌گوید پذیرفته شود و روایات یهودیش در میان مسلمانان تلقی به قبول گردد».<sup>۱۲</sup>

مصادر یادکرد کعب در مجله المنار و نیز در تفسیر المنار و آن‌گاه نقد و بررسی رشید رضا درباره آثار و مآثر و میراث کعب، بدان‌گونه زیاد است

عالمان اهل سنت به عکس وی باور دارند؛ یعنی چون احادیث «اذن» و «اباحه» متأخرند، از جمله حدیث «قلم و دوات»، پس احادیث «امر به کتابت» نسخ روایات «نهی از کتابت».

مؤلف جمع دیگر عالمان از احادیث را می‌آورد که بدان اشاره کردیم و دیدگاه‌های رشید رضا را به نقد می‌کشد و از جمله اشاره می‌کند به «صحیفه» و «نسخه»‌های بسیاری که صحابه نگاشته بودند. این موضع مؤلف درباره دیدگاه رشید رضا قابل توجه است. اکنون عالمان اهل سنت برای دفاع از سنت و حجیت آن درباره کتابت حدیث و اثبات آن در قرن اول تلاش‌های مهمی به کار بسته‌اند که تأمل کردنی است. برخی از این کتشی‌ها و کوشش‌ها را در مقامی دیگر نمایانده‌ام.<sup>۸</sup>

در ادامه سخن از عدالت صحابه است و موضع رشید رضا در برابر آن. رشید رضا به درستی عدالت صحابه را به صورت کلی قبول ندارد و عدالت را بر اعم و اغلب صحابه روا می‌داند و نه همه آنها. از جمله استناد می‌کند به اعمال بعضی از صحابیان در زندگیشان که درست است و استوار، اما مؤلف بر پایه اعتقاد به «کاخ رفیع‌پنداری عدالت صحابه» و دفاع نامعقول از استواری آن، دیدگاه رشید رضا را نقد می‌کند و روشن است که نقدهای وی استوار است [۲۸۲ - ۳۱۴].

رشید رضا تأکید می‌کند که باور به «عدالت تمام صحابه» افراط است، چنان‌که نسبت «فسق» به صحابیان جز بسیاری اندک نیز «تفریط» در حکم است. مؤلف در توضیح و تبیین دیدگاه رشید رضا بحث را می‌گستراند و با تتبع در دیدگاه عالمان اهل سنت بر این باور می‌رود که عالمان در «عدالت صحابه» پنج دیدگاه را دارند ۱. عدالت آنان چونان عدالت دیگران قابل بحث و فحص است و به نتیجه تأمل در زندگانی و مواضع آنان هرچه بود خست می‌شویم. این دیدگاه را به احمد بن محمد ابوالحسین بغدادی، شهره به «ابن القطان» نسبت داده‌اند که از فقیهان بزرگ و بلندآوازه شافعی است. ۲. صحابه همگان عادل‌اند قبل از «فتنه»، اما کسانی که دستی در فتنه داشته‌اند به عدالت آنها نمی‌شود باور داشت. ۳. همه عادل‌اند مگر آنان که به جنگ علیه علی (ع) پرداخته‌اند. کسانی از معتزله و شیعیان بدین باورند. ۴. عدالت کسانی روشن و شایسته گفتگو نیست که مشهور به همراهی با رسول الله (ص) و ملازمت با آن بزرگوار باشند و نه کسانی که روزگاری اندک با آن سرور بوده‌اند. این دیدگاه را از پیشینیان به مازری و از متأخران به شیخ محمد عبده نسبت داده‌اند. ۵. صحابه یکسر عادل‌اند و هیچ کس درباره چگونگی زندگانی و مواضع آنان در سمت و سوی نفی عدالت حق سخن ندارد! (ص ۲۹۳ - ۳۰۳)

مؤلف از میان استدلال‌ها و قرائن و مستندانی که رشید رضا می‌آورد،

۸. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲، مدخل حدیث و تدوین حدیث عند الشیعه الامامیه، محمد علی مهدوی راد.

۹. فتح الباری، ج ۸، ص ۲۷۰.

۱۰. طبقات ابن سعد، ج ۳، ق ۱/ ۱۹۳ و تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۶۷.

۱۱. المنار، ج ۲۷، ص ۶۹۷.

۱۲. المنار، ج ۲۸، ص ۷۵۲.

باور دارد و همه نقدهای منتقدان را قابل مناقشه ورد می‌داند، اما در نگاشته‌هایی «صحیحین» را قابل نقد دانسته و گاه اسانید و روایات و دیگرگاه محتوی احادیث را به نقد می‌کشد. او بر روی هم صدوده روایت را به لحاظ محتوا ناپذیرفتنی تلقی می‌داند. (۴۱۹ - ۴۵۲)

مؤلف تلاش می‌کند نقدهای رشید رضا را پاسخ گوید و همان بیت الغزل پنداری برخی عالمان اهل سنت که «صحیحین» (اصح الکتاب بعد القرآن هستند) را استوار دارد که تلاشی است سترون و ناستوار.

باری بگذاریم و بگذریم و تأکید کنیم که کتاب آقای رضانی با عنوان «آراء محمد رشید رضا فی قضایا السنه النبویه من خلال مجله المنار - دراسه تحلیلیه نقدیه»، کتابی است خوشخوان با نظم و ترتیبی دقیق، ساختاری درست و مستند به منابع. تمام آنچه را مؤلف به رشید رضا نسبت می‌دهد، مستند است به نگاشته‌های مختلف رشید رضا در المنار.

در گزارش نیز هرگز «گزینش‌گری» نمی‌کند و همه آنچه در موضوع بحث هست را می‌آورد و نقد می‌کند. در نقد هم تلاش می‌کند از جاده انصاف به دور نرود. مشکل، مبانی، اصول و پیش‌فرض‌هایی است که مؤلف بدان‌ها پایبند است و متأسفانه استوار نیستند و گاه تلاش‌ها، «آب در هاون» کوبیدن است.

#### کتابنامه

۱. ابن سعد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت؛ دار صادر، بی‌تا.
۲. الامدی، علی بن محمد؛ الاحکام فی اصول الاحکام؛ تحقیق السید الجمیلی؛ بیروت؛ دار الکتب العربی، ۱۴۰۶.
۳. شافعی، محمد بن ادريس؛ الرساله؛ تحقیق و شرح احمد محمد شاکر؛ قاهره؛ شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۵۸.
۴. شوکانی، محمدعلی؛ ارشاد الفحول الی علم الاصول؛ قاهره، ۱۳۲۷.
۵. طبری، جعفر بن محمد بن جریر؛ تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۶. گروهی از نویسندگان؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۲، تهران؛ کتاب مرجع.
۷. مهدوی‌راد، محمدعلی؛ تدوین الحدیث عند الشیعه الامامیه مهدوی‌راد، محمدعلی؛ تدوین الحدیث عند الشیعه الامامیه؛ تهران؛ هستی‌نما، ۱۴۳۱.

که به گفته مؤلف اگر جمع و تدوین شود، کتابی بزرگ را رقم خواهد زد، اما مؤلفان و محدثان از کهن‌ترین روزگاران تلاش کرده‌اند شخصیت او را از ناهنجاری‌ها بپیرایند و از او چهره‌ای خدمت‌گذار به فرهنگ اسلامی معرفی کنند. مؤلف نیز یکسری کوشش که مواضع و دلایل رشید رضا را تضعیف کند و مآلاً شخصیت کعب را استوار بدارد. (ص ۳۵۸ - ۳۶۹)

موضع رشید رضا درباره وهب به منبه نیز چونان «کعب الاحبار» است، البته نه به شدت و درشتنکی آنچه درباره کعب آورده است. رشید رضا غالباً وهب را همراه کعب یاد می‌کند و نقش آنان را در گستراندن اسرائیلیات بی‌بدیل وصف می‌کند. او می‌نویسد: «در تمام خرافات نشر یافته در کتابهای تفسیر و تاریخ در موضوعات خلقت و انبیاء پیشین قیامت، دست این دو پیدا است آندو مصداق روشن مثل عربی (فی کل واد اثر من ثعلبته) هستند.»<sup>۱۳</sup>

مؤلف کتاب بر اساس آنچه بدان پایبند است و اینکه آنچه را پیشینیان بافته‌اند را باید استوار دارد، اینجا نیز هر «رطب و یابسی» کنار هم می‌چیند تا از او عالمی آگاه به کتاب‌های پیشینیان و روایتگری صدوق برای گسترش دانش رقم زند. (ص ۳۶۷ - ۳۷۷)

اطلاق عنوان «صحیحین» برای کتاب‌های حدیثی «بخاری و مسلم» دقیقاً روشن نیست. این دو کتاب حدیثی با همه اهمیتی که در حوزه فرهنگی سنی دارند، در سده‌های آغازین پس از تألیف یک‌جا مورد تأیید نبودند و اسانید آنها یا محتوایشان از سوی عالمان و محدثان مورد نقد قرار می‌گرفت. هرچه تاریخ بر آنها گذشت، گویا تأکید بر «صحت» آنها بیشتر شد و گاهی عنوان «اصح الکتاب بعد کتاب الله» بر پیشانی آنها نشست. اکنون چندین دهه است که جریانی در مطالعات حدیثی در جهان اسلام شکل گرفته است که با تأکید بر جایگاه بلند «صحاح شش‌گانه» و از جمله «صحیحین»، محتوا و اسانید روایات آنها را قابل نقد می‌داند. البانی برای برخی از صحاح (جز صحیحین) «ضعاف» نگاشت. او همین شیوه را در ضمن طرح سترگی در حدیث درباره صحیحین نیز پی گرفت که با مرگش متوقف شد. اکنون کتاب اسماعیل کردی را با عنوان نحو تفعیل قواعد نقد متن الحدیث الشریف، کتاب سامراسلامبولی را با عنوان تحریر العقل من النقل و کتاب ابن قرناس، الحدیث و القرآن را در پیش رو داریم که بر اساس اصول، قواعد و معیارهایی به نقد محتوایی «صحیحین» پرداخته‌اند. رشید رضا در روزگاران اخیر پس از کسانی مانده عبده از پیشروان نقد کتاب‌های یاد شده‌اند. در این بخش مؤلف موضع رشید رضا را درباره «صحیحین» گزارش کرده است. مؤلف بر این باور است که رشید رضا در بخشی از نگاشته‌هایش به صحت تمام احادیث «صحاح»

۱۳. المنار، ج ۲۷، ص ۷۸۳.